

## «بررسی و مطالعه تطبیقی دیوان سالاری در دوره ساسانیان و انتقال آن به دوره اسلامی»

(حسن روحی کشکی)

(دبیر تاریخ)

### چکیده

ادارات، یا به اصطلاح قدیم آن، دیوانها، ابزار اجرایی حکومت ها، می باشند. کشورهایی که در طول تاریخ به درجاتی از پیشرفت در زمینه های متفاوت رسیده اند؛ از یک دیوان سالاری منظم و کارآمد بر خور دار بوده اند. تمدن اسلامی در چند قرن نخست پس از اسلام دارای دیوان سالاری و سیع و منظمی بود. با توجه به سابقه اعراب مسلمان در قبل از اسلام که در آن جامعه مدنیت، شکوفایی چندانی نداشته و مردم قبایل به حالت بدوی زندگی میکردند این پرسش پیش می آید که دیوانسالاری اسلامی بر اساس چه الگویی بوجود آمده بود. این مقاله بر این باور است که مسلمانان از سیستم دیوانی ایرانی الگوبرداری کردند و توانستند ضمن باز تولید آن با کمک ایرانیان مسلمان و انطباق آن با ارزشهای جدید بنیان گذار یک تمدن جدید باشند.

### کلید واژه

ایران، ایران، باستان تاریخ ایران دیوانهای حکومتی، اسلام و ایران.

## ۱- «درآمد»

تمدن ایران یکی از قدیمی ترین تمدن های بشری است، که در طول تاریخ، فراز و فرود های فراوانی را پشت سر گذاشته است. یکپارچگی و امتداد تمدن ایرانی چند بار بر اثر حمله بیگانگان، دچار برش گردیده اما از مدتی بر اثر کاردانی و نبوغ و سابقه طولانی، دیوانسالاران ایرانی در اداره امور و کشور داری و ضعف قدرت های مهاجم مجدداً این نهادهای ایرانی بودند که سر رشته امور را بدست می‌گرفتند. پس از حمله اسکندر مقدونی حمله اعراب مسلمان را میتوان بزرگترین تحول سیاسی اجتماعی، تا آن زمان دانست. ورود اسلام به ایران مقطع تاریخی مهمی است که کلیه ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را دگرگون کرد اعراب مسلمان همانگونه که خود اذعان میکردند، سابقه درخشانی در علم و هنر و کشور داری نداشتند. بنا بر این برای اداره سرزمینهای فتح شده بجز شمشیر! چیزی از خود نداشتند (سرپرسی سایکس، ۱۳۸۰).

به عبارت بهتر اکنون پس از جهانگیری، نوبت جهاننداری بود که اعراب، راب فاقد زیر ساخت های فکری و فرهنگی لازم برای آن بودند. از اینرو، تقلید از سنت های ایرانی و تا حدودی رو می، در دستور کار خلفاء قرار گرفت؛ و بر این اساس، دیوانهای حکومتی، یکی پس از دیگری و به مرور، بر اساس نیاز های جدید، به وجود آمد. در مورد ایده ایجاد چنین نهادهایی در صدر اسلام و اداره آنها پس از قرن اول) ایرانیان نقش اساسی داشتند. این مقاله سعی دارد با استفاده از ادله و شواهد تاریخی روند تاثیر پذیری حکومت های اسلامی، از فرهنگ و تمدن ایرانی را مورد ارزیابی قرار دهد؛ و به این پرسش پاسخ دهد که ساختار اداری ایران قبل از اسلام، چه تاثیری بر دیوانهای حکومتی پس از اسلام داشته است؟ برای این منظور، ابتدا در مقدمه، نقش بروکراسی اداری در پیشبرد اهداف حکومتها مورد بحث قرار میگیرد و سپس نگاهی به دیوان های ایرانی قبل از اسلام و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اعراب در عصر جاهلیت خواهیم داشت و بعد از آن، گسترش اسلام و نیاز به دیوانها ی جدید را بررسی خواهیم نمود؛ و سر انجام نگاهی به دیوانهای حکومتی پس از اسلام و کار ویژه آنها در قرون بعدی اسلام خواهیم داشت.

امروزه نظام اداری یکی از ابزارهای مهم توسعه پیشرفت است. هیچ کشوری برای پیشرفت و توسعه بی نیاز از ابزاری مهم و تاثیر گذار بنام بروکراسی یا همان دیوانسالاری نیست. به عبارت بهترستون فقرات یک دولت را در بخش اجرایی سیستم اداری آن تشکیل میدهد بروکراسی امروزه نقش اساسی در یک پارچگی و وحدت سیاسی جوامع دارد. (قوام، ۱۳۷۳).

این نقش اداری و دیوان سالاری حکومتی امروزه دارای تنوع و کارکرد بیشتری نسبت به گذشته میباشد. اما ماهیت دیوان و رابطه انفکاک نا پذیر آن با دستگاه سیاسی واجتماعی کشور تفاوت چندانی با گذشته ندارد. از این رو شناخت تشکیلات اداری مسلمانان در قرون نخست اسلامی میتواند حتی برای امروز هم راهگشا باشد. بویژه اینکه تا پیش از تاسیس سلسله صفوی در ایران و دولت های معاصر با آن، در دیگر کشورها تنها دستگاه دیوانی مهم و قابل توجه دستگاه دیوانی مسلمانان بوده است. که آن نیز متأثر از نظام اداری ایران قبل از اسلام است مسلمانان نخستین همان اعراب حجاز بودند که تا قبل از اسلام با تمدن و فرهنگ، دستگاه دیوانی و اداری و به طور کلی با حکومت مرکزی که لازم آن، وجود تشکیلات وسیع اداری است بیگانه بودند. تنها نظام شناخته شده در جامعه اعراب، نظام سنتی قبیلہ ای بود با رحلت حضرت رسول(ص) و انتخاب خلیفه اول، پس از جنگ های

معروف به رده» سرا سر جزیره عربستان در اختیار مسلمانان گرفت. گسترش اسلام به بیرون از شبه جزیره عربستان و وسعت امپراتوری اسلامی، که لازمه آن وجود یک تشکیلات اداری منظم برای اداره آن سرزمین و وسیع بود؛ از یک سو و تاثیر پذیری مسلمانان از دیگر ملل از جمله ایرانیان از سوی دیگر، موجب شد که دیوانها و تشکیلات اداری مسلمانان بنا بر شرایط و مقتضیات زمان گسترش یابد.

## ۲- معنا و مفهوم لغوی دیوان

در مورد ریشه لغوی دیوان، اتفاق نظر بین دانش پژوهان وجود ندارد. برخی با توجه به وجود تشکیلات اداری منظم، در ایران قبل از اسلام – که در صفحات بعد به آن پرداخته می شود ریشه آن را فارسی می دانند. لخت شناسان ایرانی این واژه را فارسی و صورت بکار رفته آن در زبان عربی را که به صورت واژه « دواوین» جمع بسته شده، فارسی معرب می دانند. (ولایتی، ۱۳۸۴).

برخی نیز گفته اند واژه دیوان از اجزاء dip یا Dib به معنی نوشته و پسوند و جمع an تشکیل شده است و به مرور زمان واج به تبدیل شده است. ریشه dip تقریباً در تمام زیر شاخه های زبان سومری که سر شاخه زبان سامی به شمار می رود از جمله در عیلامی، اکدی، وجود دارد (ولایتی، ۱۳۸۴).

و برخی دیگر دیوان را از واژه « دون » عربی به معنای جمع و ثبت کردن دانسته اند از این رو دیوان میتواند به مجموعه ای از اسناد و مدارک اطلاق شود. و در معنی و وسیع تر خود به معنای تشکیلات اداری میباشد. این اصطلاح در آغاز به معنی ثبت نام سپاهیان، بکار برده می شد؛ و بعد ها معنی آن گسترش یافت و هر نوع ثبت نامی را شامل میشد؛ و به مرور زمان به معنای کلیت نظام اداری بکار برده شد. و از این رواج جمله معانی معروفی که برای دیوان آمده است همان سازمان اداری است.

## ۳- سابقه دیوان در ایران باستان

ایران به عنوان یکی از تمدنهای باستانی و ریشه دار که تا قرن ها بر حداقل نصف جهان، فرمان میراند، دارای تشکیلات بزرگ و وسیع دیوانی برای اداره آن سرزمین پهناور بود. اقوام ایرانی در سالهای آغاز هزاره اول وارد صحنه تاریخ میشوند در پایان سده ی هفتم پ.م با فتح نینوا (۶۱۲) بابراندازی دولت آشور، صاحب نقش عمده ای در تاریخ آن عصر شدند ۵۰ سال بعد به پیشوایی کورش دوم نقش اول صحنه تاریخ تاریخ را به عهده گرفتند با پیاده کرده نظامی که ارکان آن صلح و امنیت و مدارا بود برای تمام جوامع متمدن آن. عصر آینده ای روشن به ارمغان آوردند (فرانسوادوبلو، ۱۳۸۴).

از آنجا که یکی از راهای مهم در آمد دولت، در آن روزگار اخذ مالیات، بود؛ از این رو، تشکیلات جمع آوری مالیات ها و حفظ و نگهداری سوابق و حساب مربوط به آن، در حکومت های هخامنشی، اشکانی و ساسانی بوجود آمد. ایران آن روز یکی از مراکز مهم کشاورزی محسوب میشد، بنابراین، تمامی اراضی مزروعی مرتب در هر سال اندازه گرفته شده و محصول آن تخمین زده میشد. بدیهی است برای این امر تشکیلات دقیقی لازم بود که به مرورزمان به بوجود آمد. در زمان داریوش راهسازی، برید، مالیاتها و تقسیمات کشوری در قالب یک برنامه منظم در سراسر شاهنشاهی ایران شکل گرفت.

استان فارس از مالیات معاف بود اما بیست استان دیگر هر کدام فرمانداری داشتند و یک نفر به عنوان فرمانده نیرو های نظامی آن استان در کنار فرماندار بود و خزانه و امور مالیاتی استان زیر نظر یک «گنجور» اداره میشد. همین ساختار در دوره های بعد و خصوصاً صادر حکومت ساسانی ادامه یافت. داریوش راهی بین(سارد) و شوش معروف به راه شاهی ساخته شده بود که طول آن ۲۵۰۰ میل بوده است. چارها این را هر ا در طی پانزده روز و مسافران معمولی در سه ماه آن را طی میکردند. (سرپر سی سایکس، ۱۳۸۰).

داریوش هخامنشی این نکته را خوب در یافته بود که هر دولت موفق باید شالوده اقتصادی استواری داشته باشد و نخستین لازمه چنین اقتصادی داشتن دستگاه پولی و روش مقبولی برای اندازه گیری است از این رومقیاسهای وزن دقیقی مشخص شد و این دستگاه وزنی را سنگ شاهی میگفتند که در سرار کشور رواج یافت(رمان گریشمن، ۱۳۸۷). قوای نظامی ستون فقرات دولت های دنیای قدیم بود از این رو، خسرو انوشیروان، تشکیلات دقیقی ایجاد کرد که ارتش ثابت و منظم را با حقوق معین پوشش میداد. در پرداخت حقوق سربازان چنان نظمی حاکم بود؛ که اگر نظم و انضباط شخصی را رعایت نمیکرد؛ تا رفع مشکل، نمی توانست دستمزد خود را دریافت کند. گفته شده روزی در مراسم سان و پرداخت حقوق، خود خسرو انوشیروان یکی از ادوات رزم را همراه نداشت. از او خواسته شد باز گردد و آماده تر به میدان سان بیاید او نیز اطاعت کرده با اینکه خود پادشاه و در راس نیرو ها بود-بازگشت و با سلاح کامل مراجعت نمود و ضمن گرفتن حقوق خود، بر پرداخت حقوق سپاهیان نظارت کرد. در چگونگی ساختار حکومتی ایرانیان به درجه ای از آگاهی رسیده بودند؛ که داریوش برای جلوگیری از عواقب تمرکز قدرت در دست یک نفر هر ولایت را به یک(ساتراپ) به معنی والی یا استاندار و نیز یک سردار و یک دبیر، می سپرد؛ این سه نفر از هم مستقل و مستقیم با مرکز در ارتباط بودند. (سرپر سی سایکس، ۱۳۸۰).

داریوش سازمان اداری و شاهنشاهی ایران را به صورتی در آورد که تا سقوط امپراطوری روم همواره به عنوان نمونه عالی از آن پیروی میکردند آسیای غربی در زیر سایه نظم و آرامشی که وی در شاهنشاهی پهنآور خود برقرار کرده بود به چنان نعمت و آسایشی دست یافت که تا آن زمان نظیر نداشت. بنا بر این مسلمانان نیز بصورت بسیار گسترده از نظام سیاسی اجتماعی ایرانیان الگوبرداری کردند آیین مملکت داری اسلامی به شدت تحت نفوذ آیین مملکت داری ایرانی در دوره پیش از اسلام بود البته به فراخور زمان دچار تغییراتی میشد.

#### ۴- ساختار سیاسی اجتماعی

جامعه اعراب در عصر جاهلی و در آستانه ظهور اسلام جامعه ی عربستان قبل از بعثت، دارای ساختار ویژه ای است که از آن به عنوان ساختار «قبیله» ای نامبرده می شود. این سرزمین، از لحاظ جغرافیایی، خشک و بی آب و علف و با پهنایی حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع، در جنوب غربی آسیا قرار دارد ساکنان این ناحیه در زمان مورد بحث به جز ناحیه جنوبی آن، مرد می کوچنده بودند و این ناحیه، هیچ گاه دولت و تمدنی به خود ندیده بود. (شهیدی، ۱۳۷۵).

تاریخ نگاران معتبر، تنها از مجمعی به نام «دارالندوه» در آستانه بعثت سخن گفته اند؛ که هر گاه مشکل مهمی برای اهالی مکه به وجود می آمد؛ در آنجا با هم به مشورت می پرداختند و کسی که در سن کمتر از چهل سال بود؛ در آنجا راه نداشت. مجلسی بی تا ۳۱۸ دوره ی قبل از بعثت رسول خدا (ص) تا حدود ۱۵۰ - ۲۰۰ سال دوران جاهلی نامیده می شود. این اسم از سوی قرآن نسبت به آن دوره به کار رفته است. (جعفریان، ۱۳۸۵) برای مردم این ناحیه حمله به گروههای دیگر و بردن آنچه در دست آنها است؛ امری عادی بود. در گیری ها و خون ریزی های فراوانی؛ بین آنها وجود داشت؛ که اعراب در مورد آنها، شعرها و حماسه نامه ها ساخته و به عنوان فخر، به همدیگر می خواندند. اعراب، زندگی در شهر و آداب و رسوم آن را به دیده ی تمسخر می نگریستند. (شهیدی، ۱۳۷۵).

مهمترین قبایل مطرح در ساخت اجتماعی سرزمین عربستان عبارت بود از قریش در مکه، اوس و خزرج در مدینه طائف. در ثقیف قریش به دلیل کلید داری خانه کعبه، مقتدرترین قبیله محسوب می شد. چنان چه گفته شد اساسی ترین واحد سیاسی و اجتماعی در شبه جزیره ی عربستان، آستانه ی ظهور اسلام قبیله است. مهمترین مقررات و قانون مطرح در نظامهای قبیله ای سنت های گذشته گان بود؛ که تخطی از آن غیر قابل گذشت، شناخته میشد. (زرگری نژاد، ۱۳۷۸).

بنا بر این، در قبل از گونه نهاد سیاسی سازمان دهی شده به جز قبیله وجود نداشت این سرزمین از علم و دانش بی بهره بود و تنها دانشی که اعراب جاهلی به آن فخر می کردند؛ علم انساب «یا نسب شناسی است. در همین دوران، ایران در حد بالای از علم و دانش در همه ی ابعاد قرار داشت به گونه ای که از لحاظ سیاسی، برق اعظمی از جهان حکومت می کرد و از لحاظ اقتصادی، سرزمینی آباد و پر درآمد بود؛ که شهر های آن چشم اعراب را خیره می کرد. در همان زمان که اعراب جز جنگ و خون ریزی و شعر گفتن که آن هم نشانه ی حقارت پستی و دوری از ارزشهای انسانی بود چیزی نداشتند؛ ایران مهمترین مراکز تولید علم، همانند دانشگاه جندی شاپور» را در اختیار داشت. ظهور اسلام در چنین جامعه ای، با شعار های جهان شمول، خود یکی از اتفاقات نادر تاریخ بشری است. پیامبر اسلام (ص) برای عبور از این جامعه و پی ریزی تمدن جدید اسلامی دست به تحولات آرام و تدریجی زد. پس از هجرت، اولین دولت مرکزی در مدینه شکل گرفت. بنا بر این، تفاوت عمده و غیر قابل قیاسی بین زندگی اعراب عربستان و زندگی مردم آن روز ایران وجود داشت. حکومت مرکزی ساسانی تمام شئون جامعه را از حیث قانون و عمل به قانون و وادار کردن همه به تبعیت از قانون زیر سلطه واحدی داشت به طوری که حضور دولت همه جا احساس میشد (جعفریان، ۱۳۸۵).

اما اعراب بدلائل فراوان دچار تشقت و پراکندگی بودند. این جامعه را کسی بجز پیامبر خاتم (ص) نمی توانست متحول کند. بنای این تحول با هجرت نبوی آغاز شد. و با الگو پذیری خلفای بعدی از ایران و دیگر ملل تکمیل شد.

## ۵ - تحولات عصر پیامبر (ص)

با توجه به حرکت تدریجی حضرت رسول (ص) اصل «ساختار قبیله حفظ شد و سعی شد که این واحد سنتی اجتماعی، در داخل ظرف بزرگتری بنام «امت» جای داده شود. از این رو پیامبر پست «نقیب» را ایجاد کرد که به نوعی رابط قبیله با دولت مدینه و شخص پیامبر محسوب میشد. (احمد العلمی، ۱۳۸۱).

همچنین اقدام پیامبر (ص) در نصب حکام شهرها از جمله نصب عتاب بن اسید به حکومت مکه؛ پس از فتح این شهر و انتخاب کاتبان نامه ها و ارسال پیامها برای حاکمان جهان یا رؤسای قبایل و کاتبان و حی، که آیات نورانی قرآن را می نوشتند؛ نوعی دیوان اما در مراحل اولیه آن رانشان می دهد. اما دیوان به معنی مکان فیزیکی و خارج از منزل شخصی اشخاص و دارای تعدادی کارمند مشخص با حقوق معین، در حکومت پیامبر(ص) وجود ندارد؛ ولی در عوض نهاد مسجد، تا حدودی این کار ویژه را انجام میداد و محلی بود برای عبادت، وامورات سیاسی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیامبر (ص) بیشتر هیاتهای اعزامی از سوی قبایل و دیگر کشور هارادر، مسجد ملاقات مینمود. این هیاتها که وفود نامیده می شدند؛ و در محل خاصی از مسجد خدمت پیامبر (ص) شرفیاب میرسیدند. علاوه بر آن، پیامبر محل خاصی را برای اقامت هیات هادر مدینه تعیین کرده بود. (جعفری، ۱۳۸۴).

ورود پیامبر (ص) به مدینه و ایجاد و حدت سیاسی، مذهبی واجتماعی بین مهاجرین وانصار وحتى یهود اطراف مدینه در واقع نخستین سنگ بنای دولت اسلامی است. این دولت که روز بروز در حال گسترش بود برای پیشبرد امور خود پس از پیامبر (ص) به الگو برداری از ساختار دیوانی ایران رو آورد.

## ۶- گسترش اسلام و نیاز به دیوانهای جدید

امپراطوری پهناور اسلامی که از شمال آفریقا تا مرزهای چین را شامل می شد و در طول مدت اندکی گسترش یافته بود؛ نیازمند تشکیلات اداری پیچیده ای بود؛ که این پهنه وسیع را به خوبی اداره نماید. پس از فتح ایران اعراب مسلمان. می دانستند که بر جامعه ای فرسوده اما سازمان یافته تسلط پیدا کرده اند. بنابراین در غرب کشور اسلامی یعنی سوریه و شامات، نظام اداری روم را اقتباس کرده اند و در ایران از روش اداری ساسانیان کمک گرفتند. در سال ۲۰ هجری در پی ورود غنایم فراوانی به مدینه در زمان خلیفه دوم، به پیشنهاد بزرگان صحابه دیوان شکل گرفت. طبری، ۱۳۸۵).

بنابراین میتوان گفت نخستین بار، عمر بن الخطاب، سازمان اداری مربوط به ثبت و ضبط مالیاتها را به پیشنهاد ایرانیان تشکیل داد و پس از آن به مرور زمان گسترش یافت. تاثیر پذیری ساختار حکومتهای عربی از ایران به حدی بود که تازمان خلافت «عبدالملک مروان سکه های رایج، عمدتا، سکه های ساسانی بود. در زمان عبدالملک عربیگری وتوجه ویژه به قومیت عرب- که از خلافت معاویه شدت بیشتری گرفته بود - تقویت شد و دستور عربی سازی دیوان های حکومتی وز بان گفتاری و نوشتاری، آنها صادر شد و اقدام به ضرب سکه، باء بارت های عربی نمود. (طوقوش، ۱۳۸۰).

امویان نیز در آغاز کار خود سازمان گردآوری و ثبت و ضبط مالیات را دیوان الخراج نام نهادند. از جمله دیوان‌های دیگری که پس از آن بوجود آمد، دیوان الرسائل، دیوان الجند، و دیوان الخاتم است. در سالهای نخست فتح ایران زبان و خط پهلوی در دیوانها و ادارات رایج بود. برای اداره سرزمین وسیع اسلامی لازم بود که این کشور وسیع به قطعات کوچک تر تقسیم شود. از این رو به دستور خلیفه دوم کل سرزمین‌های اسلامی به هفت بخش تقسیم شد و برای هر کدام یک فرماندار یا والی برگزیده شد این قسمتها عبارت بودند از مدینه، شام، جزیره، کوفه، بصره، موصل و مصر (ولایتی، ۱۳۸۴).

با این تقسیم بندی و انتخاب حاکم برای هر سرزمین، عملاً دیوانی برای اداره آن مناطق بوجود آمد که در هر بخش شامل حاکم و افراد تحت امر او بود.

## ۷- دیوانهای شکل گرفته پس از اسلام

جامعه بدوی عربی، با پذیرش اسلام، دچار تحولی اساسی شد و در حیات با برکت پیامبر یا یه‌های حکومت اسلامی مستحکم شد. پس از رحلت پیامبر (ص) با ترکیبی از روحیه جهادی و کشور گشایی، امرا طوری روم و شاهنشاهی ایران را بزانو در آورد. اعراب مسلمان در این زمان صاحب مملکتی شدند که در نهایت و سعت خود بود. اداره این سرزمین وسیع با سابقه اجتماعی اعراب هیچ تناسبی نداشت از این رو با کمک و ملل تابعه واز همه مهمتر ایرانیان دیوانسالاری مقتدری بوجود آمد که در ذیل به اهم آنها اشاره میشود.

### ۷-۱- دیوان الجند

برخی مناطق سال تشکیل دیوان الجند را سال ۲۰ هجری می دانند دیوان (الجند) شامل تمامی اهالی مدینه یعنی مهاجران و انصار و نیروهای شرکت کننده در فتوحات بود که به همراه خانواده هایشان به پادگان های ولایات گسیل میشدند و نام آنها، به همراه خانواده در دیوان الجند ثبت میشد. گروهی مرکب از نسب شناسان کار ثبت و ضبط اسامی افراد را بر حسب قبیله ای که با آن مرتبط بود نه انجام میداد. ملاک پرداخت حقوق و سبقت در اسلام بود، ثبت نام قبایل تا عصر اموی ادامه داشت.

آنها خدمات افراد به اسلام در دیوان جند علاوه بر مدینه در مرکز استانها، مثل کوفه و بصره نیز تاسیس شد. به مرور زمان و به دلیل گسترش سرزمینهای اسلامی و بروز مسایل جدید، علاوه بر دیوان جند دیوان های دیگری نیز شکل گرفت. که به آنها اشاره خواهد شد (طبری، ۱۳۸۵).

با تبدیل شدن امامت به خلافت و سپس به پادشاهی، نیروهای نظامی که با دیوان الجند اداره می شدند در واقع در خدمت امیال خلفای اموی و سپس عباسی قرار گرفتند در ساختار ارتش امویان و عباسیان در واقع، سازمان دهی نیروهای نظامی در درجه اول برای حفظ حکومت و شخص خلیفه بود. در دوران اموی از افراد غیر عرب که موالی خوانده می شدند به عنوان نیروهای نظامی استفاده نمیشد؛ اما پس از سقوط بنی امیه، و به روی کار آمدن بنی عباس از ۱۳۲ - ۲۳۲ به مدت یک قرن ایرانیان علاوه بر انتقال

آشکال دیوانهای خود به حکومت عباسی، خود در واقع صاحب دیوان بودند. اکثریت کارکنان دیوانی را تا سطح وزارت ایران یان تشکیل میدادند. از این تاریخ به بعد دوره ای آغاز شد که آنرا دوره نفوذ ترکان مینامند (برزگر، ۱۳۸۲).

در خلافت عباسی بدنه اصلی ارتش را داوطلبان تشکیل دادند که به دو دسته پیاده و سواره شدند. سپاهیان می بایست وسایل نظامی خود را تامین میکردند و دولت وظیفه داشت که نظام تقسیم می آذوقه و خرج چار پایان سپاه را آماده سازد.

در دوران اموی هر ولایت یک دیوان خراج که همه در آمد ها بدان جا منتقل می شد، یک دیوان جند، یک دیوان رسائل داشت که در صفحات آتی درباره هر یک جداگانه صحبت خواهد شد.

## ۷-۲- دیوان رسائل

دیوان رسائل در دوره حکومت معاویه شکل گرفت. این دیوان برای نظارت بر اسناد و جلوگیری از جعل آنها تشکیل شد خلیفه همه مکاتبات را میخواند و دستورات لازم را صادر میکرد آنگاه کا تب، نامه ها و اسناد لازم را تنظیم می کرد (یعقوبی، ۱۳۸۷).

در همین زمان دیوان الخاتم یا دیوان « مهر » تا سیس که در آن جا نسخه ای از هر نامه یا سند تهیه و نگهداری می شد و اصل آن بازبینی شده و مهر می گرد ید و ارسال میشد. یعقوبی می گوید این دیوان توسط زیاد بن ابیه والی عراق برای نخستین بار و تحت تاثیر ایرانیان تاسیس شد (یعقوبی، ۱۳۸۷).

در خلافت عباسی دیوان رسائل مخصوص صدور احکام و جمع آوری اسناد دولتی بود ریاست آن همیشه به یک فرد کار آزموده واگذار میشد و نوشتن نامه های خلیفه و صدور احکام به اطراف کشور را انجام می داد. دیوان رسائل در زمان غزنویان به عنوان دیوان «رسالت» خوانده میشد که در حکم دبیر خانه و دفتر خانه برای سلطان بود که این دیوان مثل برخی دیوانهای دیگر در سفرهای جنگی، پادشاه را همراهی می کرد. کاغذ های دیوانی و دفاتر ثبت را چهار پایان حمل می کردند هنگام توقف چادرهایی برای این دیوان بر پا می شد و نویسندگان در آنها استقرار یافته به کار مشغول می شدند. به دلیل اهمیت دیوان رسالت چادر آن در نزدیکی قرارگاه سلطان واقع می شد (یعقوبی، ۱۳۸۷).

اهمیت دیوان رسائل به حدی بود که در عهد سبکتکین، خواجه احمد بن حسن میمندی پیش از تصدی مقام وزارت مدتها متدی دیوان رسائل بود. در واقع صاحب دیوان رسائل با آن که در حق وزیر، همواره به حرمت رفتار می کرد اما خود را مامور زیر دست وزیر نمی دانست. ([WWW.ghadeer / site / dowran / iran / ejtama](http://WWW.ghadeer/site/dowran/iran/ejtama)) دیوان رسائل در برخی دیوان ها دیوان انشاء نیز نام داشته است.

## ۷-۳- دیوان خراج یا استیفا



یکی دیگر از نخستین دیوانهای اسلامی دیوان خراج یا دیوان استیفا است. سازمانی که عهده دار به خش بزرگی از امورات مالی کشور اسلامی بود. در این دیوان فهرست اموال و دارایی های دولتی ثبت می شد و رسیدگی به امور مالی، کشور یا شهر را به طور کامل در اختیار داشت.

فلسفه تشکیل این دیوان تقسیم غنایم فراوانی بود که در زمان عمر بر اثر فتوحات بر مدینه می رسید. اما بعد ها وظایف آن گسترده تر شد و تمامی وظایف مالی کشور را به عهده گرفت. از جمله، چگونگی جمع آوری مالیات از سرزمین های مفتوحه و انتقال آن به پایتخت، چگونگی تقسیم آن بین مسلمین، درجه بندی مسلمانان برای دریافت حقوق و با پیچیده تر شدن روابط اقتصادی سرزمین ها، فتح شده و ظایف آن گسترش یافت و محاسبات در آمد های عمومی و تنظیم و بر آورد هزینه ها و نظارت بر خرج آنها، فهرست برداری از اموال افراد سرشناس، به خصوص حاکمان و سلاطین و اعزام افراد برای جمع آوری مالیات از وظایف دیوان خراج محسوب می شد. (شریک امین، ۱۳۵۷).

اهمیت دیوان خراج در قرنهای بعد، یعنی قرنهای چهارم و پنجم اضافه شد، به گونه ای که اداره کشور در گرو کاردانی و لیاقت صاحبان این دیوان بود (باسورث، ۱۳۶۲).

در زمان بنی امیه مسئله خراج، بحث عمده حکومت بود که از «موالی» گرفته می شد.

موالی مسلمانان غیر عرب بودند که به نوعی شهروند درجه دوم حساب میشدند به بخش دیگر در آمد از راه جزیه» بود یعنی از کسانی که سرزمین آنها با صلح فتح شده بود باید مالیاتی به نام جزیه می پرداختند. دیوان خراج، جمع آوری مالیات از هر نوع آن از مسلمان یا غیر مسلمان (جزیه) یا غنایم از سرزمین های مفتوحه، را به عهده داشت. زمین هایی که خاص حکومت بود تو سط این دیوان اداره میشد و برای چگونگی مصرف آن، برنامه ریزی میکرد. یکی از راهای مصرف خراج قطاع» بود. زمینی که برای بهره برداری به افراد واگذار شد که البته هر چه از تاریخ اسلام جلوتر می آییم این شیوه رواج بیشتری می یافت و واگذاری زمین به صورت موقت اقطاع» و واگذاری آن به صورت دائمی ضیعه» نامیده می شد. اصطلاحی دیگر برای واگذاری بخشی از اموال یا زمین به اشخاص دیگر بکار برده شده است که از آن به عنوان «طعمه» می برند. در منابع تاریخی از مقدار (طعمه) و شمار (مطعمان) «به صورتهای گوناگون سخن گفته شده است. «طعمه» تا زمان امویان ادامه داشت اما در این زمان یک عمل حکومتی بود و مطعم» نه مردم عادی بلکه گیرنده آن در مقام والی یک شهر بود و «طعمه» نیز از سوی خلیفه واگذار میشد. نکته مهم این بحث این است که این روش نیز یکی از مسایل زیر نظر دیوان خراج بود. در حکومت غزنویان نیز خراج پایگاه و یژه خود را داشت. دیوان خراج به عنوان بازوی اقتصادی حکومت به تنظیم درآمدها و نحوه خرج آنها می پرداخت. لازم به ذکر است که در دورانهایی از دیوان خراج به عنوان دیوان استیفا نیز یاد می کردند و متدیان آن «مستوفی» و رییس همه آنها مستوفی الممالک» نام داشت. (مجله تاریخ اسلام، شماره، ۱۲).

دیوان خراج در حکومت بنی امیه یکی از دیوانهای مهم بود و برای گرفتن مالیات و خراج روش های بسیار خشونت آمیز به خرج میدادند. تقریباً در تمام دوره امویان بحث خراج مشکل عمده زندگی موالی بود.

## ۷-۴- دیوان وزارت

وزارت در تمدن ایران قدمتی دیرین دارد اما در تمدن اسلامی مبدا آن به زمان عباسیان می رسد. نقش و جایگاه وزیر برای پادشاهان بسیار حیاتی بود و امکان اداره کشور بدون وجود این مقام امکان پذیر نبود.

انتخاب وزیر توسط شاه انجام میشد و استعداد و توانایی وزیر بستگی داشت به استعداد و توانایی پادشاه. گاه انتخاب وزیر توسط شاه برای رفع یک بحران انجام میشد و میتوانست نقش سپر بلا را برای شاه بازی کند (ولایتی، ۱۳۸۵).

وجود مقام وزارت گر چه برای شاه ضروری بود ولی این به معنی لزوم برابری در تقسیم قدرت به نحوه حقوقی آن نبود. بلکه این واگذاری قدرت یک طرفه از جام گرفت و قدرت وزیر به طور کلی وابسته به قدرت شاه بود. وزیر در قبل از حکومت صفوی در حکومت‌های عباسیان، و حکومت های محلی شرق ایران وظیفه داشت روابط سایر حکام و خلیفه را تنظیم کند نگاه کنید به (WWW.mailesekhobrcgan.ir).

برخی وزیران در تاریخ ایران در صورت لزوم فرماندهی سپاه را نیز بر عهده داشتند. وزیران دولت آل بویه چین وظایفی داشتند و هم چنین انتصاب کارگزاران و عوامل حکومتی و عمال مالیاتی را نیز بر عهده داشتند. در قرن چهارم مقام وزارت نقش مهمی داشت و عهده دیوان های دیگر تحت امر او بود (لمبتون، ۱۳۷۲) نقش وزارت در دورانهای بعد، از جمله دوران صفوی از ارکان مهم دولت به حساب می آمد. این مقام در حکومت‌های جدید مردمی و مشروطه به مقام نخست وزیری تبدیل شد.

## ۷-۵- دیوان برید

دیوان «برید یکی از مهمترین دیوانهای دوران اسلامی است. در مورد ریشه لغوی «برید» تفاوت نظر های فراوانی وجود دارند. برخی ریشه این واژه را از زبانهای سامی کهن می دانند که به معنی پیک سریع و اسب سریع شتابان به کار می رفته است (بیهقی، ۱۳۸۵).

در ایران ریشه دیوان برید به عنوان نهادی برای رساندن فرمانها و نامه ها به دوران هخامنشیان باز میگردد که در دورانهای بعدی یعنی اشکانیان و ساسانیان با مقداری تفاوت ادامه یافته است. وظایف این دیوان در دوره اسلامی متعدد و مهم بوده است. از جمله وظایف آن خبر رسانی اطلاعات، انتقال فرمانهای حکومتی و جمع آوری اخبار از سراسر امپراتوری اسلامی و انتقال آن به مرکز خلافت را شامل میشد (شهبازی، ۱۳۵۴).

در دوران پس از اسلام و عمدتاً در دوران بنی امیه خاصه حکومت معاویه دیوانها بر حسب نیاز گسترش بیشتری یافت که از جمله آنها دیوان «برید» بود. معاویه هزینه هنگفتی را صرف تجهیز دیوان برید کرد. استخدام کارمندان تهیه اسبها و تاسیس ایستگاه های مجهز مورد نیاز ناقلان، خبر از این جمله اند که بی شباهت به همین نهاد در زمان هخامنشیان نیست. (طوقوش، ۴۹، ۱۳۸۰).

در این دوران برید» به سوار حامل نامه حکومت گفته . شد چنین معاویه فرمان داد تا دیوانی به نام دیوان «خاتم» به وجود آید تا نامه ها بدون مهر نباشد و بجز خلیفه و دیگران کسی از اسرار نامه ها مطلع شود (ولایتی، ۱۳۸۴).

همان گونه که گفته شد کار دیوان برید در زمان خلفای اموی بعد از معاویه منحصر به انتقال نامه های رسمی و گزارش های حکومتی نبود (جرجی زیدان، ۱۳۷۹) بلکه وظیفه جاسوسی و خبر چینی حکومت را به عهده داشت.

دیوان برید در زمان های بعد و خصوصا در زمان حکومت عباسیان هم چنان دارای اهمیت ویژه خود بود . اصولا قرون سوم و چهارم هجری را می توان دوران گسترش دیوان برید در نقاط مختلف جهان اسلام دانست. در زمان حکومت منصور عباسی صاحب برید یعنی رییس این دیوان یکی از ارکان اصلی حکومت شمرده می شد (جرجی زیدان، ۱۳۷۹).

ماموران برید در این زمان وظیفه داشتند که اخبار دست اول و دقیقی از خلق و خوی منطقه و فعالیتهای آنان چگونگی اداره استانها و میزان طلا و نقره در ضرابخانه های هر محل را جمع آوری کرد و به بغداد برسانند .

گزارش های کتبی دفتر مرکزی صاحب برید « در بغداد میرسید و او نیز اطلاعات را منظم و خلاصه می کرد و اوضاع روزانه سرزمین خلافت را به وزیر می داد. برای پوشش بهتر اخبار و جمع آوری مطلوب اطلاعات از جاسوسان و خبر چینان زن نیز در دیوان برید و خارج از آن استفاده میشد (ولایتی، ۱۳۸۴).

اهمیت دیوان و نظام خبر رسانی در غزنویان به اندازه دیوان وزارت بود در ایام پادشاهی سلطان محمود و سلطان مسعود ابو نصر مشکان ریاست دیوان را بر عهده داشت. کارمندانی که در این دیوان کار میکردند داشتن سلامت قلم در نوشتن نامه ها تسلط کامل به زبان فارسی و عربی لازمه کار آنان بود. جمع آوری خبر و انتقال آن با رمز اندک اندک متداول شد تا اگر حامل نامه و متن آن بدست دشمن افتد از موضوع آن آگاهی پیدا نکنند. راه دیگر این بود که نامه بران و فاصدان در پوشش امورات دیگر از جام وظیفه نمایند و خود را تاجر و ... نشان دهند. در حکومت عثمانی نیز تشکیلات دیوان برید بوجود آمد که در این زمان «چاپار» نامیده می شد به منزلگاههای تعویض اسبها چاپارخانه گفته میشد. (کلیفورد، ۱۳۸۵).

در ایران نیز با آغاز حکومت صفویه دیوان برید چاپارخانه» نام گرفت و فواصل منظم مراکز برای تعویض اسب ها و نظرات حامل نامه ها در کنار کاروانسراها ایجاد شده است.

## ۶-۷- دیوان عرض

اکثر دیوان های اداری در طول تاریخ پس از اسلام بر اساس نیازی که دستگاههای حکومتی احساس می کردند، پدید می آمد . یکی از دیوانهای که در عهد غزنویان و معاصر با خلافت عباسی پدید آمد دیوان «عرض بود». دیوان عرض متصدی امر نظارت در احوال، درجات سپاه و مواجب آنان بود و در برابر شاه مسئولیت مستقیم داشت هر چند با وجود امیران و سپه سالاران، اردوی پادشاه عارض لشکر قدرت قابل ملاحظه ای نداشت اما متدی آن از بین دبیران لایق از اهل دیوان انتخاب میشد. چنانکه مسعود غزنوی بنا به پیشنهاد میمندی وزیر شغل دیوان عرض را به ابو سهل زوزنی داد (نوذری، ۱۳۸۷).

دیوان عرض در کنار دیگر دیوانها مثل دیوان استیفاء، دیوان اشراف، دیوان طغراء زیر نظر وزیر یا دیوان وزارت یا دیوان اعلاء که بالاترین مقام دیوانی پس از پادشاه بود اداره میشدند. ([www.gonagon.com](http://www.gonagon.com)).

## ۷-۷- دیوان اشراف

یا بازرسی ویژه دیوان اشراف که متصدی آن را مشرف می نامیدند دیوان بازرسی در امور دیوانی به خصوص در امور مالی بود. مسئول دیوان اشراف از بین افراد بسیار مورد اعتماد انتخاب میشد. دیوان بازرسی ویژه که در دوران غزنوی دیوان اشراف خوانده می شد در دورانهایی دیگر از جمله در دوران سلجوقیان و دوره سامانیان نیز با همین نام و یا همین وظیفه وجود داشت چنانکه مسعود غزنوی وقتی شغل وزارت را از ابو سهل حمدودی گرفت و به خواجه احمد بن حسن میمندی داد شغل ریاست دیوان اشراف را به حمدودی سپرد پیداست که قبول این شغل حتی برای یک وزیر مقرب و مورد توجه سلطان کسر اعتبار نبوده است (نوذری، ۱۳۸۷). دیوان اشراف علاوه بر آن که در حکومت‌هایی که به نوعی مشروعیت خود را خلیفه می‌گرفتند و جود داشت؛ در خود دستگاه خلافت نیز فعال بود. این دیوان علاوه بر نظارت بر چگونگی خرج اموال در دیوان‌های دیگر اشخاص و کارمندان را نیز زیر نظر داشت. شیوه کسب اطلاعات آنها بسیار پیچیده بود به عنوان مثال غلامان و افراد حاضر در دستگاه و خانه اشخاص مورد نظر را با هدیه و تطمیع با خود همراه می کردند و اطلاعات لازم را به دست می آوردند (مسعودی، ۱۳۸۰). گزارش‌هایی از مشرفان داخلی و خارجی (یعنی جاسوسان حکومت‌های دیگر) به دیوان اشراف میرسید به وسیله رئیس دیوان از نظر شاه می گذشت.

## ۷-۸- دیوان قضاء

مبحث قضاوت در اسلام سابقه دیرین دارد و به زمان حضرت رسول (ص) باز میگردد در آن زمان اختلافات بین مسلمین در جامعه کوچک مدینه اکثراً توسط شخص حضرت رسول (ص) حل و فصل می شد. با توجه به روحیه ای که بین صحابه حاکم بود و عقد اخوتی که پیامبر اعظم (ص) بین آنها به وجود آورده بود اختلافاتی که به قضاوت و اجرای احکام منجر شود، محدود بود گاهی نیز اتفاق می افتاد که پیامبر کسی را برای امر قضاوت به دیاری دیگر می فرستاد، مثل اعزام حضرت علی (ع) به یمن در زمان خلیفه اول، ابو بکر، عمر بن الخطاب مقام قضاوت را به عهده داشت (مسعودی، ۱۳۸۰) در زمان خلافت عمر مقام قضاوت به ابو أمیه شریح ابن حارث سپرده شد. اما در موارد متعددی عمر از امام علی (ع) در امر قضاوت کمک می گرفت و مسایل بسیار پیچیده از این راه حل می شد.

در خلافت عثمان مقام قضاوت به زید بن ثابت سپرده شد و برای او حقوقی نیز به عنوان قاضی معین شد در دوران خلافت امام علی (ع) نیز «شریح» معروف به شریح قاضی مقام قضاوت را بر عهده داشت. دستگاه قضاوت در حکومت اما از چنین استقلال بر خوردار بود که وقتی شخصی غیر مسلمان از امام به قاضی شکایت کرد و مدعی بود صاحب زرهی است که در اختیار دارد در حالی که خود او دانست آن زره از می امام که است، قاضی از امام که خلیفه کل مسلمین بود و شخص قاضی منصوب از جانب او

شاهد طلبید و امام (ع) اظهار داشت که شاهی ندارد بنابراین قاضی به نفع شخص غیر مسلمان رای داد. آن مرد که این وضع را دید و متوجه شد که با شخص اول مملکت در دستگاه قضاوت در یک سطح است به دروغ خود اعتراف کرد و اسلام را پذیرفت. اما این روند در حکومت‌های بعدی از جمله حکومت‌های اموی و عباسی ادامه نیافت و قضاوت و دستگاه قضایی کارگزاری بیش برای خلیفه نبود به عبارت بهتر تنها سبب جرم و مجازات به هیچ وجه رعایت نمیشد و مجازات مقرر بسته به نظر حاکم بود (WWW.hawzah.net.com).

در عهد غزنویان تشکیلات قضایی گسترش بیشتری یافت و قاضی القضاات از طرف سلطان منصوب می‌شد سلطان حداقل و ظاهر سعی میکرد که در امر شریعت خود را به پیروی از مقام خلافت در بغداد متعهد نشان دهد. بنابراین به آن چه که به اقامه حدود و اجرای احکام تعلق داشت دخالت نکند. و ظاهر امر چنین بود قضاوت بر بنای احکام و حدودیات اسلامی و بر اساس حکم فقها انجام میشد.

#### ۷-۹- دیوان مظالم

در کنار منصب قضاوت منصب دیگری پدید آمد بنام رسیدگی به مظالم خلیفه یا امیر، روزی از هفته را برای رسیدگی به این امر اختصاص می‌داد و معمولاً دستش در رسیدگی به امور از قاضی باز تر بود. کم‌کم خود خلفاء از آن کنار گرفتند و شخصی را به عنوان متولی مظالم، منصوب می‌کردند که با گسترش آن دیوان مستقلاً بنام دیوان مظالم به به وجود آمد. با گسترش دیوان مظالم این دیوان به سه شعبه تقسیم می‌شد و «دیوان قضا» نیز یکی از شعبات، ها را «رییس سه گانه» آن بود دو شعبه دیگر دیوان شرطه و «دیوان حسبه» نامیده می‌شد متدیان آن قضاء و «صاحب حسبه و صاحب الشرطه» می‌نامیدند. صاحب شرطه یا محتسب نقش تامین امنیت داخلی شهرها را به عهده داشت و در واقع به جای نیروی انتظامی امروزی از جام وظیفه می‌کرد. صاحب حسبه یا محتسب جهت جلوگیری از مفاسد اخلاقی گماشته میشد.

#### ۷-۱۰- دیوان بیت المال

دیوان بیت المال در قرون نخست اسلامی محلی بود برای نگهداری اموال منقول از جمله وجوه نقد که از محل در آمد های مختلف مثل خراج (مالیات) با «جریه» وجهی که از افراد غیر مسلمان تحت حاکمیت دولت اسلامی گرفته می‌شد و این اموال در بین مسلمین تقسیم میشد. هم‌اکنون در مسجد بزرگ دمشق اتفاقی وجود دارد که بر روی شش ستون ساخته شده و گفته میشود در زمان بنی امیه محل نگهداری اموال و وجوه نقد بوده به عبارتی خزانه حکومتی محسوب می‌شده است. دیوان بیت المال در طول تاریخ تحول مفهوم یافت و از معنی محلی برای نگهداری اموال مسلمین به نهادی برای سروسامان دادن به امور مالی متعلق به همه مسلمین شد. نخستین کسی که در اسلام چنین محلی را ایجاد کرد خلیفه اول ابو بکر بن ابی قحافه بود و عمر را بر سرپرستی آن گمارد. دیوان بیت المال به مرور زمان گسترش یافت و بر اهمیت آن افزوده شد و ریس این دیوان «صاحب بیت المال» نامیده می‌شد که نظارت بر دیوان را بر عهده داشت و در رتبه های پایین تر مباحران، «متولیان»، و «مستوفیان» قرار

داشتند که هر یک بخشی از وظایف نظارت بر دیوان بیت المال را بر عهده داشتند. این دیوان بر مرور در سرتاسر قلمرو حکومت اسلامی پدید آمد (برزگر، ۱۳۸۲).

در آمد دیوان بیت المال از چند منبع تامین میشد که عده آن غنایمی بود که در جهاد با کفار به دست می آمد. بخش دیگر از خمس و زکات، انفال ( اموال عمومی) تامین میشد. اموال موجود در بیت المال در دوران حضرت رسول (ص) و هنگامی که مهاجرین و انصار در تنگنای مالی به سر می بردند در راستای افزایش سطح زندگی مسلمانان هزینه میشدند بر این موجودی آن بین مسلمانان تق. می شد. در مراحل بعد خرید و تهیه اسلحه برای جهاد پرداخت حقوق و مواجب رزمندگان، تامین فقرای مسلمانان و حتی هی فقرای اهل ذمه و غیر مسلمان در اولویتهای بعدی هزینه اموال بیت المال بود. همان گونه که قبلا نیز به آن اشاره شد این اتفاق نظر وجود دارد که خلیفه دوم نخستین کسی است که دیوان بیت المال را بنا نهاد. این نهاد الگوی دیوانهای بعدی شد که بر حسب نیاز به وجود می آمد. پیش از تشکیل دیوان اموالی که به مدینه می رسید بی آنکه دیوانی در کار باشد بین مسلمین تقسیم می شد (برزگر، ۱۳۸۸).

اگر دیوانی را که در زمان عمر تشکیل شد به عنوان نهادی برای تقسیم اموال بین همه مسلمین در نظر بگیریم - نه فقط به عنوان تعیین کننده حقوق نظامیان - که چنین نیز به نظر میرسد. از این رو دستور داده شد سامی همه مسلمانان به تفکیک قبایل و بر حسب مرتبه نوشته شود (لمبتون، ۱۳۷۲).

همه آنها مشمول گرفتن عطای ماهانه یا سالانه بودند. ابن خلدون نیز بر این باور است که تاسیس دیوان در زمان خلیفه دوم که در ابتدا سنگ بنای دیوانسالاری است گفته شود که حتی وظایف وسیعی داشت نخستین نوزادان نیز از بدو تولد مشغول دریافت عطا از بیت المال شده اند. در نهایت دیوان به این معنی سر شماری مسلمانان و جابجایی آنها را نیز تحت نظر داشته است (ابن خلدون، ۱۳۶۳).

### یافته های تحقیق

هر تمدن و جامعه ای بدون سازماندهی و تشکیلات اداره کننده امکان ادامه حیات ندارد. تمدن ایران از دیر باز یکی دشوارترین تمدنهای بشری در جهان بوده است. شاهنشاهی ایران با وسعت قلمرو کم نظیر خود نیازمند دستگاه دیوانی منظمی بود که آن سرزمین وسیع را اداره کند. اگر نقطه عزیمت خود رادولت هخامنشی فرض کنیم: تا آستانه ورود اسلام سلسله های هخامنشی، اشکانی و ساسانی بر ایران حکومت کردند. البته این روند با حمله اسکندر یک وقفه را تجربه کرد. مادر هر سه. حکومت سرزمین و سیه ایران و حکومت مقتدر آن از قدرتهای مطرح جهان بوده است بدیهی است هیچ قدرتی نمیتواند بدون نظم و انسجام که خود محصول یک دیوانسالاری منظم و کار آمد است

ادامه حیات دهد. پس از ورود اسلام به ایران و فرو پاشی دولت ساسانی این سرزمین وسیع در اختیار اعراب قرار گرفت. که از تمدن و مدنیت و کشور داری بهره چندانی نداشتند، از این رو و بناچار اقدام به اقتباس از سیستم اداری ایران و استفاده از کارکنان ایرانی نمودند. در واقع تمدن اسلامی از حجاز طلوع کرد و بر اساس نیاز، و جبر روزگار، ناچار بود دست به ایجاد ساختارهایی، برای اداره جامعه رو به گسترش اسلامی بزند از این رو ساختار اداری ایرانمبنای توسعه و تمدن اسلامی قرار گرفت. احساس نیاز به این امر در زمان خلیفه دوم و به دنبال پیروزیهای بزرگ مسلمین در شرق و جبهه ایران و در غرب و جبهه روم و کسب غنائیم فراوان و گسترش مرزهای اسلامی بیش از پیش احساس شد. بنا براین نخستین تشکیلات اسلامی به نام دیوان در زمان خلیفه دوم (بین سالهای ۲۰ - ۱۵ هجری) با نظر خواهی مشورت با بزرگان صحابه از جمله ایرانیان بنا نهاده شد. وظیفه این دیوان وسیع بود و شامل تقسیم غنائیم، تعیین حقوق رزمندگان، و بخشش ها و عطا به کلیه مسلمانان را شامل میشد. با گسترش روبه رشد اسلام وظایف دیوان اولیه، بین دیوانهای جدید التاسیس دیگر مثل دیوان خراج، دیوان جیش یا دیوان الجند تقسیم شد. و هر یک رسیدگی به امور خاص را بر عهده داشتند.

در حکومت امویان دیوانهای جدید دیگری از جمله دیوان انشاء یا دیوان رسایل شکل گرفت که وظیفه آن ثبت نامه ها و نگارش آنها و نگهداری نسخه ای از آنها را بر عهده داشت. احتمال جعل نامه ها و اسناد دولتی باعث ایجاد و تشکیل دیوان جدیدی بنام دیوان خاتم» شد که وظیفه آن، ساختن مهرهای دولتی و تطبیق نامه های رسیده و نامه های ارسالی برای جلوگیری از جمل و سوء استفاده بود. وظایف این دیوانها در حکومتهای مختلف دچار تغییر و تحول می شد اما این تحول ها رو به رشد بود. به خصوص دیوان رسایل که در عهد غزنویان دارای اهمیت فراوانی بود.

دیوان خراج، یا دیوان استیفاء عهده دار اموی مالیاتی کشور بود از دهه های نخست اسلام تا قرون بعد هم چنان یکی از پایه های مهم حکومت ها بود و به اهمیت آن افزوده شد. دیوان وزارت در همین راستا افزایش وظایف حکومت و پیچیده تر شدن اداره کشور در زمان عباسیان شکل گرفت و وزیر و مقام وزارت به نوعی نفر دوم کشور پس از شاه محسوب میشد. اما در برابر شاه قدرت چندانی نداشت. ارتباطات برای یک جامعه مانند رگهای بدن یک موجود زنده دارای اهمیت است وظیفه جمع آوری اطلاعات و ابلاغ فرامین حکومتی در اختیار دیوان برید بود. و به نوعی نقش دستگاه اطلاعاتی دولتها را بازی می کرد. در بعد قضای از دیوان قضاء و دیوان مظالم نام برده شد قضاوت در اسلام مسئله ای بسیار مهم بوده و می با شد از این جهت بحث حل اختلافات بین مسلمین از زمان هجرت پیامبر (ص) مطرح بوده است و حضرت رسول (ص) خود راسا اقدام به این امر می نمود. اما پس از رحلت پیامبر (ص) و در زمان خلفاء و با توجه به گسترش کمی و کیفی جامعه لزوم وجود دیوانی در کنار سایر دیوان ها که به امر قضاوت رسیدگی کند احساس شد. هر یک از خلفاء یک قاضی مشخص داشت که از نقش قاضی القضات انجام وظیفه می کرد و قاضی دیگر شهر ها نیز با نظر او و به امر خلیفه تعیین می شد.



یکی دیگر از دیوانهای تاثیر گذار در دوران اسلامی دیوان بیت المال است که در برابر قرون گذشته از قرن اول هجری تا پایان خلافت و پس از آن از دیگر حکومتها یکی از ارکان مهم حکومت بوده است. نکته مهم در این زمینه این است که دیوان بیت المال پس از دوران حضرت رسول و دو خلیفه اول و امام علی (ع) به خزانه شخصی خلفاء تبدیل شد و از حالت عمومی بودن به مفهومی که امام علی (ع) در نظر داشت خارج شد. در کل، در این پژوهش سعی بر این بود که یک نگاه کلی به چگونگی تا سیس و تحول و دیوان های حکومتی در عصر اسلامی داشته باشیم که با توجه به محدودیت زمان و منابع اسامی همه دیوان ها برده شده است اما سعی شد که دیوانهای مهم و تاثیر گذار به گونه ای خلاصه محدود شناسانده شود. بدیهی ا بررسی و تحقیق درباره هر یک از دیوانها یک کار تحقیقی منتقل را می طلبد که از محدوده این نوشتار خارج است.

#### منابع

- ۱- ابن خلدون (۱۳۶۳)، العبر ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مطالعات فرهنگی.
- ۲- احمد العلی، صالح (۱۳۸۱)، دولت رسول خدا، ترجمه هادی انصاری پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- ۳- برزگر ابراهیم (۱۳۸۲)، تاریخ تحول دولت در اسلام تهران. سمت،
- ۴- بیهقی محمد ابن حسن (۱۳۸۵)، تاریخ بیهقی تصحیح علی اکبر فیاض تهران. نشر مرکز.
- ۵ زرگری نژاد (۱۳۷۸)، غلام حسین، تاریخ، اسلام در عصر نبوت، تهران. سمت،
- ۶- رمان گریشمن بی تا، ایران پیش از تاریخ ترجمه محمد معین، تهران دانشگاه آزاد ایران.
- ۷- جرجی زیدان (۱۳۷۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، چ نهم، تهران. امیر کبیر.
- ۸- جعفریان رسول (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی اسلام جلد اول چاپ چهارم، دلیل. قم.
- ۹- جعفری، یعقوب (۱۳۸۴)، تاریخ اسلام از منظر قرآن، معارف، قم،
- ۱۰- سر پرسی سایکس (۱۳۸۰)، تاریخ ایران ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ هفتم، تهران، افسون،
- ۱۱- سهیل محمد، (۱۳۸۰)، دولت امویان، ترجمه حجت الله جورکی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم
- ۱۲- شریک امین شمس (۱۳۵۷)، اصطلاحات دیوانی دوران مغول، تهران. بی نا،
- ۱۳- شهیدی سید جعفر (۱۳۸۷)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران. نشر دانشگاهی،
- ۱۴- شهبازی شاپور (۱۳۵۴)، پژوهشهای هخامنشی، تهران. موسسه تحقیقات هخامنشی،
- ۱۵- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۷)؛ جنبش دینی اسلامی، تهران. پازنگ،



- ۱۶- طبری جریر، محمد (۱۳۸۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابولقاسم پاینده، تهران. اساطیر،
- ۱۷- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰)، دولت اموی، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم. پژوهشکده حوزه و دانشگاه،
- ۱۸- فرانسوا دوبلو (۱۳۸۴)، علم در ایران و شرق باستان، مجموعه مقالات ترجمه همایون صنعتی زاده  
تهران. نشر قطره
- ۱۹- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۳)، توسعه سیاسی و تحولات اداری، تهران. قومس،
- ۲۰- کلیفورد بازورث (۱۳۸۵)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران. امیر کبیر،
- ۲۱- لمبتون ان، کی، (۱۳۷۲)، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران. نشر نی.
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، علامه بی تا، حیات القلوب، تهران. جاویدان،
- ۲۳- مسعودی ابو الحسن علی ابن حسین، (۱۳۸۰)، التنیه الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲،  
تهران. انتشارات علمی فرهنگی،
- ۲۴- نوذری، عزت الله، (۱۳۸۷)، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطه، تهران. نشر خجسته.
- ۲۵- نیر نوری، عبدالحمید، (۱۳۷۷)، سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهان، ج ۲، تهران. ارشاد،
- ۲۶- یعقوبی، احمد، ابن اسحق (۱۳۸۷)، تاریخ یعقوبی، ترجمه احمد ایبنی، تهران. علمی فرهنگی.